

## الگوهای چند سطحی و ارزیابی ناهمسانی و کارایی بودجه بین دانشگاههای منتخب

ابوالقاسم نادری\*

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

### چکیده

در این مقاله ناهمسانی و نابرابری مخارج سرانه بین دانشگاهها و مراکز آموزش عالی منتخب به منظور ارزیابی کارایی تخصیص اعتبارات با استفاده از روش الگوسازی چند سطحی و داده‌های برگرفته از قوانین بودجه تحلیل و ارائه شده است. نتایج به دست آمده نشان دادند که تفاوت معنی‌داری در ساختار مخارج سرانه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی وجود دارد که این ساختار روش الگوسازی را متأثر می‌سازد. برآوردهای حاصل از الگوسازی چند سطحی نشان می‌دهند که بین ۱۵ درصد [در مورد گروه کشاورزی] و ۴۱ درصد [در مورد گروه علوم پایه] تغییرات الگوها به تفاوت ویژگی‌های دانشگاهها مربوط می‌شود که بخش زیادی از آن را باید به عدم کارایی نسبت داد. همچنین، برآوردهای تجربی مؤید این است که میزان ناهمسانی در ساختار مخارج سرانه بین دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در گروه هنر، علوم انسانی و اجتماعی کمترین و در گروه کشاورزی بیشترین است.

علاوه بر وجود ساختار ناهمسان مخارج سرانه، نتایج نشان می‌دهند که روند تحول مخارج سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۰ کاهش داشته و میزان کاهش بین دانشگاهها و نیز بین گروههای آموزشی متفاوت بوده است. علی‌رغم وجود نابرابری‌های زیاد، طی دوره ۷۸-۱۳۷۰ نابرابری بین مراکز آموزشی مورد بررسی کاهش یافته است که می‌توان این تحول را در جهت بهبود و افزایش کارایی تخصیص منابع تعبیر کرد. با

---

\* نشانی پست الکترونیکی: anadery@ut.ac.ir

این حال، نتایج تحلیل‌های چندسطحی نشان داد که هنوز تفاوت چشمگیری در مخارج سرانه دانشگاه‌های مورد مطالعه وجود دارد. تلاش برای توزیع عادلانه‌تر اعتبارات، به خصوص به منظور تشویق مراکز آموزشی با هزینه متوسط سرانه کمتر، سبب ارتقای کارایی مخارج آموزشی دولت خواهد شد.

کلید واژگان: کارایی، کارایی تخصیصی، دانشجوی معیار شده، هزینه‌های آموزشی، الگوسازی چندسطحی، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، گروههای آموزشی و مالیه آموزش عالی.

### مقدمه

مقوله‌های کارایی و عدالت یا برابری در مباحث مالی دولت جایگاه ویژه‌ای دارند. صرف نظر از وجود بده-بستان بین این دو، اصولاً دولت‌ها تلاش می‌کنند که منابع مالی به گونه‌ای بین مصارف مختلف تخصیص یابد که حداکثر کارایی حاصل شود. اما از آنجا که در دنیای واقعی مسائل مختلفی نحوه توزیع منابع را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به گونه‌ای که واحدها یا افراد ذی‌حقوق به طور برابر شانس استفاده از منابع را ندارند، اینجاست که دولت‌ها برای بهبود نحوه توزیع منابع مداخله می‌کنند. هدف اصلی این مقاله تحلیل نحوه توزیع منابع بین مراکز آموزش عالی منتخب در ایران است.

برای تحلیل مقایسه‌ای کارایی بین دانشگاه‌های مختلف که به ارائه خدمات آموزشی می‌پردازند، مخارج سرانه یکی از شاخصهای مهم و کلیدی است [۱]. از آنجا که دانشگاه‌ها در مناطق جغرافیایی متفاوتی مستقر هستند و همچنین، برای دانشجویان تحت تعلیم در رشته‌ها و مقاطع مختلف خدمات آموزشی عرضه می‌کنند که مخارج مرتبط از یک رشته به رشته دیگر و به همین ترتیب از یک مقطع به مقطع دیگر متفاوت است، طبیعتاً باید ناهمگونی‌های جغرافیایی، بین‌رشته‌ای و بین‌مقطعی در تحلیل‌ها در نظر گرفته شود. در همین خصوص، برای

در نظرگرفتن ناهمگونی‌های بین‌رشته‌ای و بین‌مقطعی از شاخص "دانشجوی معیار" استفاده شده است که به کمک آن بتوان برای تحلیل کارایی تخصیص اعتبارات بین دانشگاهها ارقام قابل مقایسه‌ای ارائه داد [۲]. تحلیل مخارج سرانه به تفکیک گروههای آموزشی به عنوان روشی برای مقابله با مسئله ناهمگونی بین‌رشته‌ای استفاده شده است.

برای ناهمسانی بین منطقه‌ای از تکنیک متغیر مجازی استفاده می‌شود. در این خصوص، این نکته مد نظر قرار گرفته است که علت اصلی ناهمسانی بین منطقه‌ای را باید به حقوق و مزایای پرسنل و استادان که سهم عمده‌ای در مخارج آموزشی دارد، نسبت داد. در واقع، ناهمسانی از این نظر به طور مستقیم به درجه محرومیت هر منطقه بستگی دارد که در نهایت، این ناهمسانی در تفاوت میزان حقوق و مزایا متبلور خواهد شد. برای کنترل این قبیل عوامل، کل دانشگاهها به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروه اول شامل دانشگاههایی است که در شهرهای بزرگ [مانند تهران، مشهد، شیراز، اصفهان و تبریز] استقرار یافته‌اند؛ اصولاً تفاوت در هزینه‌های پرسنلی در این شهرها مشابه یا نزدیک به هم است. گروه دوم دانشگاههایی هستند که در سایر شهرها (شهرهای کوچک) احداث شده‌اند؛ انتظار می‌رود تفاوت در هزینه‌های پرسنلی از ناحیه عوامل یادشده در این دانشگاهها در مقایسه با گروه اول بالاتر باشد (قارون و دیگران، ۱۳۷۳؛ عبدیان، ۱۳۷۳). در هر حال، چنانچه ناهمسانی از ناحیه هزینه منابع انسانی از نظر آماری معنی‌دار باشد، امید می‌رود که ضریب متغیر به کار گرفته شده برای دانشگاههای احداث شده در شهرهای کوچک مثبت باشد.

تحلیل‌های این مقاله مبتنی بر داده‌های ۳۶ دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است [۳]. سه دلیل اصلی برای انتخاب این دانشگاهها مدنظر قرار گرفته است: نخست اینکه، در دوره مورد مطالعه، این دانشگاهها تقریباً در همه گروههای آموزشی به فعالیتهای آموزشی پرداخته‌اند. دلیل دیگر این است که بتوان نتایج این مطالعه را با نتایج مطالعات دیگر [۴] به ویژه مطالعه دباغ (۱۳۷۵) مقایسه کرد. درنهایت، سهم مخارج این مراکز آموزش عالی از کل مخارج بخش آموزش عالی طی دوره مورد بررسی قابل توجه و بین ۳۷/۲ درصد (سال ۱۳۷۳) و ۵۳ درصد (سال ۱۳۷۰) در نوسان بوده و میزان این شاخص برای سال ۱۳۷۸ حدود ۴۶ درصد بوده است.

با توجه به نکات یاد شده، در ادامه این مقاله مخارج سرانه بین دانشگاههای منتخب با استفاده از روش تحلیل دوسطحی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در ابتدا مخارج سرانه کل در سطح دانشگاه تحلیل می‌شود. از آنجایی که مخارج جاری مستقیماً به تعداد دانشجو وابسته است، در قسمت بعدی مخارج جاری سرانه در سطح دانشگاه تحلیل خواهد شد. با توجه به تنوع رشته‌های آموزشی، مقایسه کارایی بین رشته‌های آموزشی، اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد. در همین زمینه، مخارج سرانه به تفکیک گروههای آموزشی [یعنی گروه علوم پایه، فنی و مهندسی، هنر، علوم انسانی و اجتماعی، کشاورزی و دامپزشکی] بین دانشگاههای مختلف تحلیل و بررسی می‌شود.

## الگوسازی چندسطحی و تحلیل ساختار مخارج سرانه بین مراکز آموزشی

برای آزمون معنی دار بودن تفاوت مخارج بین دانشگاهها و در طول دوره مورد بررسی، از روش الگوسازی چندسطحی استفاده می‌شود [۵]. در این روش، تغییرات متغیر وابسته به ویژگی‌های واحدهای مورد تحلیل، تجزیه می‌شود. بنابراین، در ارتباط با داده‌های مورد تحلیل در این مطالعه، دو نوع واحد تحلیل: یکی "دانشگاه" و دیگری "مشاهدات هر دانشگاه در طول دوره مورد بررسی" [یعنی سالهای ۱۳۷۸-۱۳۷۰] به کار گرفته می‌شود که دانشگاه به عنوان واحدهای سطح دوم و تکرار مشاهدات هر دانشگاه در طول زمان به عنوان واحدهای سطح اول در نظر گرفته می‌شوند. در واقع، هر دانشگاه و مشاهدات مربوط به عنوان زیر مجموعه‌ای از کل مشاهدات تحت بررسی در نظر گرفته می‌شوند.

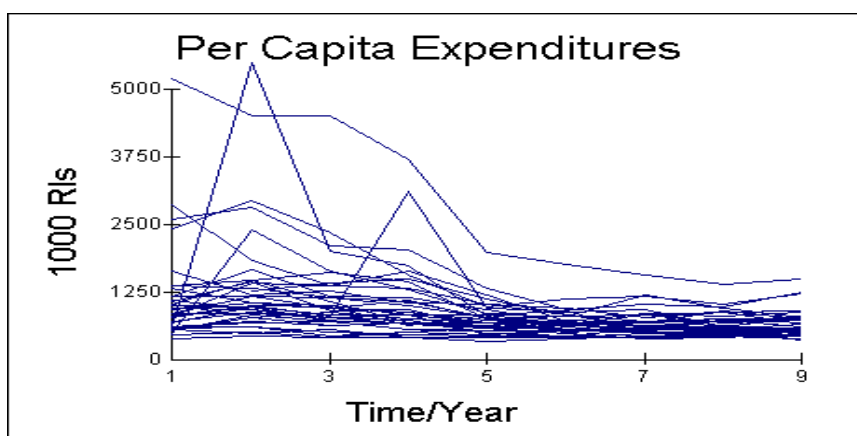
این روش تحلیل دو ویژگی برجسته دارد: یکی اینکه ساختار داده‌ها به محک آزمون گذاشته می‌شود تا مشخص شود که آیا ساختار داده‌ها بین زیرمجموعه‌های تحت مطالعه از نظر آماری متفاوت از یکدیگر است یا خیر؟ همان گونه که در نمودار ۱ نشان داده شده است، مخارج سرانه دانشگاهها طی سالهای ۷۸-۱۳۷۰ متفاوت است و این شاخص برای تعداد زیادی از دانشگاههای تحت مطالعه بین حدود ۳۰۰ تا ۱۲۰۰ هزار ریال در نوسان بوده است؛ این ارقام حاکی از آن است که این تفاوت بسیار چشمگیر است. در نمودار ۲ روند مخارج جاری سرانه بین دانشگاههای مورد مطالعه ارائه شده که دامنه تفاوت این شاخص بین دانشگاهها

قابل توجه است. البته، دامنه تغییرات مخارج جاری کمتر از دامنه تغییرات مخارج کل است.

در هر حال، چنانچه بین واحدهای سطح بالاتر (یعنی دانشگاه) تفاوت معنی‌داری از نظر رفتار متغیرهای تحت مطالعه وجود داشته باشد، نادیده گرفتن این تفاوت در تحلیل‌های اقتصادسنجی منجر به اشتباه در استنباط آماری می‌شود. کاربرد الگوهای چندسطحی با لحاظ کردن این ناهمسانی در الگوسازی مشکل مذکور را بر طرف می‌کند.

مقوله اشتباه در استنباط آماری به این نکته بر می‌گردد که در روش حداقل مربعات معمولی، فرض می‌شود که مشاهدات دارای ساختار یکسان هستند و گروه‌بندی‌های موجود در جهان واقعی به طور معنی‌داری بر ساختار داده‌ها تأثیر ندارد؛ البته، در دنیای واقعی این فرض به ندرت واقعیت پیدا می‌کند.

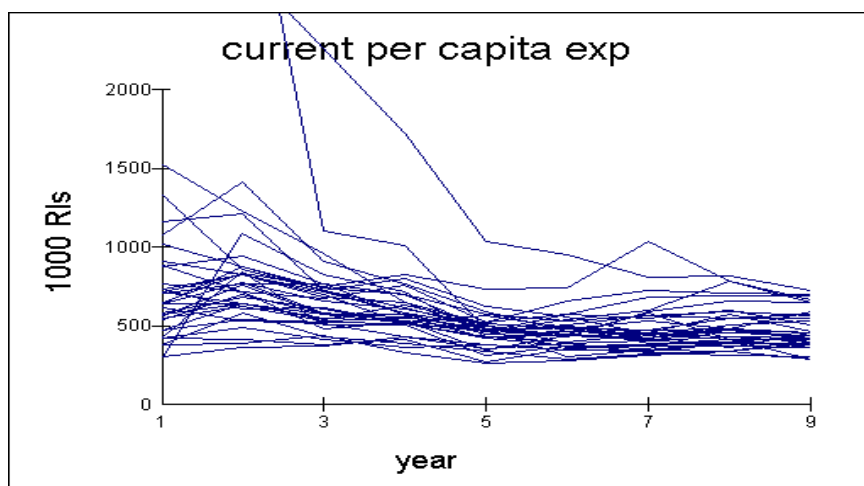
ویژگی دوم به قابلیت تجزیه واریانس الگو بین مشخصه‌های واحدهای تحت بررسی مربوط می‌شود. این قابلیت به محقق کمک می‌کند تا درصد تغییرات واریانس متغیر مورد مطالعه را که قابل انتساب به ویژگی‌های واحدهای هر سطح است، برآورد کند. در هر حال، در قسمتهای بعد ضمن تبیین روش الگوسازی چندسطحی، ناهمسانی ساختار داده‌ها و همچنین، نقش هر یک از واحدهای تحلیل در تبیین تغییرات مخارج سرانه دانشگاههای تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با استفاده از این روش تحلیل و تبیین می‌شود.



الگوهای چند سطحی و ارزیابی ناهمسانی و کارایی بودجه ... ۷

نمودار ۱- مخارج دانشگاهها به ازای یک دانشجوی معیار طی سالهای ۷۸ - ۱۳۷۰

مأخذ: قوانین بودجه سالهای ۱۳۸۰-۱۳۷۲



نمودار ۲- مخارج جاری دانشگاهها به ازای یک دانشجوی معیار طی سالهای ۷۸-۱۳۷۰

مأخذ: قوانین بودجه سالهای ۱۳۸۰-۱۳۷۲

همان گونه که بیان شد، در روش حداقل مربعات معمولی فرض می‌شود که گروه‌بندی در جهان واقعی وجود ندارد. در صورت وجود گروه‌بندی‌ها، تأثیرگذاری و نیز تأثیرپذیری این گروه‌بندی‌ها بر گروه‌ها و اعضای آن یکسان است. الگوسازی چندسطحی این فرض محدود کننده را لغو می‌کند و تحلیل‌ها مبتنی بر این است که در **جهان واقعی** افراد، واحدهای اقتصادی-اجتماعی و ...

به صورت گروه‌بندی به ادامه فعالیت می‌پردازند، به گونه‌ای که اعضای این گروه‌ها هم بر گروه تأثیر می‌گذارند و هم از آن تأثیر می‌پذیرند. لحاظ کردن این آثار در الگوسازی، ساختار کواریانس الگوی مورد نظر و بنابراین، واریانس ضرایب مورد تخمین را متأثر می‌کند.

ساختار کواریانس برای یک الگوی دوسطحی فرضی و ساده که کل مشاهدات در سطح ۲ شامل دو واحد [با این فرض که واحد اول دارای سه مشاهده و واحد دوم دارای دو مشاهده] هستند، در شرایطی که فرض شود ساختار ناهمسانی تنها عرض از مبدأ را متأثر می‌سازد و لذا این ضریب به صورت متغیر یا تصادفی در نظر گرفته شود، به صورت زیر خواهد بود:

$$\Pi = \begin{pmatrix} \sigma_{u0}^2 \mathbf{J}_{(3)} + \sigma_e^2 \mathbf{I}_{(3)} & 0 \\ 0 & \sigma_{u0}^2 \mathbf{J}_{(2)} + \sigma_e^2 \mathbf{I}_{(2)} \end{pmatrix} \quad (1)$$

جایی که  $\mathbf{J}_{(n)}$  ماتریس  $(n \times n)$  یک‌ها و  $\mathbf{I}_{(n)}$  ماتریس  $(n \times n)$  یکه است. در الگوهای یک‌سطحی که برای تخمین آنها روش OLS به کار گرفته می‌شود [یعنی موقعیتی که داده‌ها با ساختار سلسله‌مراتبی مواجه نباشد]  $\sigma_{u0}^2 = 0$  و این ساختار کواریانس به سطح معمول  $\sigma_e^2 \mathbf{I}$  تقلیل می‌یابد که در آن  $\sigma_e^2$  واریانس جمله خطای الگوی یک‌سطحی است.

در شرایطی که ساختار ناهمسانی و سلسله‌مراتبی عرض از مبدأ و همچنین، ضریب متغیر توضیحی را متأثر کند، به گونه‌ای که این ضرایب در طول واحدهای



الگوهای چند سطحی و ارزیابی ناهمسانی و کارایی بودجه ... ۹

تحلیل سطح بالا [یعنی دانشگاهها] متغیر باشند، ماتریس کواریانس به صورت رابطه زیر خواهد بود:

$$\Pi = \begin{pmatrix} X_1\Omega_2X_1' + \sigma_e^2I_{(n_1)} & 0 \\ 0 & X_2\Omega_2X_2' + \sigma_e^2I_{(n_2)} \end{pmatrix} \quad (2)$$

که در آن:  $\Omega_2 = \begin{pmatrix} \sigma_{u0}^2 & \sigma_{u01} \\ \sigma_{u01} & \sigma_{u1}^2 \end{pmatrix}$ ,  $\mathbf{X}_1 = \begin{pmatrix} 1 & X_{11} \\ 1 & X_{21} \\ 1 & X_{31} \end{pmatrix}$ , and  $X_2 = \begin{pmatrix} 1 & X_{12} \\ 1 & X_{22} \end{pmatrix}$

برای یک حالت کلی که الگوی تحت تخمین مانند الگوی (3) است و جایی که تمام مشاهدات در M دانشگاه گروه‌بندی شده باشند؛ یعنی:

$$\begin{aligned} \mathbf{Y} &= \mathbf{X}\beta + \mathbf{w} \\ \mathbf{w} &= \mathbf{X}\mathbf{u} + \mathbf{e} \end{aligned} \quad (3)$$

ماتریس کواریانس به صورت زیر خواهد بود:

$$\mathbf{V} = \begin{pmatrix} \Pi_1 & 0 & 0 & \dots & 0 \\ 0 & \Pi_2 & 0 & \dots & 0 \\ \vdots & & & & \vdots \\ 0 & 0 & 0 & & \Pi_m \end{pmatrix}, \quad \text{جایی که } \begin{aligned} \Pi_j &= \mathbf{X}_j\Omega\mathbf{X}_j' + \sigma_e^2\mathbf{I} \\ E(\mathbf{u}\mathbf{u}') &= \Omega \end{aligned} \quad (4)$$

در یک ساختار همسان و غیرسلسله مراتبی،  $\mathbf{X}_j\Omega\mathbf{X}_j' = 0$  و بنابر این  $\Pi_j = \sigma_e^2\mathbf{I}$ ، که این در واقع معادل ماتریس کواریانس روش حداقل مربعات معمولی (OLS) است.

تفاوت ساختار الگوهای یک سطحی و چندسطحی در الگوهای (5) الگوی یک سطحی و

(۶) الگوی دوسطحی نیز ارائه شده است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، تفاوت اصلی بین این دو به ساختار واریانس-کواریانس الگوها بر می‌گردد. واریانس الگوی یک‌سطحی دارای یک جزء است و این گونه فرض می‌شود که واریانس در طول مشاهدات ثابت است، در حالی که واریانس الگوی دو سطحی بیش از یک جزء دارد و اجزای جدید به دلیل تأثیر ساختار ناهمسانی و سلسله مراتبی بر الگوسازی است.

(۵) الگوی یک‌سطحی

$$y_{ij} \sim N(XB, \Omega)$$

$$y_{ij} = \beta_{0i}x_{0i} + \beta_{1i}x_{1ij}$$

$$\beta_{0i} = \beta_0 + e_{0ij}$$

$$[e_{0ij}] \sim N(0, \Omega_e) : \Omega_e = [\sigma_{e0}^2]$$

$$-2 * \loglikelihood(IGLS) = 4634.514(319 \text{ of } 319 \text{ cases in use})$$

(۶) الگوی دوسطحی

$$y_{ij} \sim N(XB, \Omega)$$

$$y_{ij} = \beta_{0ij}x_{0ij} + \beta_{1ij}x_{1ij}$$

$$\beta_{0ij} = \beta_0 + u_{0ij} + e_{0ij}$$

$$\beta_{1ij} = \beta_1 + u_{1ij}$$

$$\begin{bmatrix} u_{0ij} \\ u_{1ij} \end{bmatrix} \sim N(0, \Omega_u) : \Omega_u = \begin{bmatrix} \sigma_{u0}^2 & \\ \sigma_{u10} & \sigma_{u1}^2 \end{bmatrix}$$

$$\begin{bmatrix} e_{0ij} \end{bmatrix} \sim N(0, \Omega_e) : \Omega_e = \begin{bmatrix} \sigma_{e0}^2 \end{bmatrix}$$

$$-2 * \loglikelihood(IGLS) = 4375.990(319 \text{ of } 319 \text{ cases in use})$$

همان‌گونه که ماتریس‌های کواریانس نشان می‌دهند، واریانس جملات اخلاص در طول مشاهدات غیر ثابت است و جملات اخلاص واحدهای سطح اول گروه‌بندی شده در واحد مشابهی از سطح دو به همدیگر وابسته‌اند. این مسئله مشکل واریانس ناهمسانی را ایجاد می‌کند که آزمون فرضیه یا استنباط آماری را متأثر و در واقع، مسئله قابلیت اعتماد آزمون فرضیه را مطرح می‌سازد. در ادامه با توضیحات تفصیلی‌تر به این مسئله مهم پرداخته می‌شود.

همان‌گونه که در قسمت قبل اشاره شد، در یک ساختار سلسه مراتبی کواریانس دو مشاهده در یک واحد سطح بالاتر، غیرصفر و واریانس جملات اخلاص تمام مشاهدات ناهمسان و غیرثابت است. بنابراین، قبل از هر گونه تخمینی باید داده‌های مورد استفاده را آزمون کرد تا مشخص شود آیا داده‌ها با

ساختار سلسله مراتبی مواجه‌اند یا خیر؟ برای این منظور، از آماره همبستگی درون-واحدی<sup>۱</sup> استفاده می‌شود.

میزان آماره همبستگی درون-واحدی دو کاربرد اساسی دارد: یکی اندازه‌گیری آن قسمت از واریانس الگوست که به تفاوت‌های بین دانشگاهها مربوط می‌شود و دیگر اینکه این شاخص همبستگی بین دو مشاهده را که به تفاوت‌های درونی یک واحد از سطح بالاتر [یعنی دانشگاه] مربوط است، ارزیابی می‌کند؛ یعنی وقتی که آثار گروه‌بندی وجود دارد، کواریانس بین دو مشاهده که به یک دانشگاه تعلق دارند غیر صفر است و به صورت این رابطه ارائه می‌شود:

$$Cov(u_{oj} + e_{0i^1j}, u_{oj} + e_{0i^2j}) = Cov(u_{oj}, u_{oj}) = \sigma_{u0}^2 \quad (7)$$

همبستگی اشاره شده به صورت  $\rho = \sigma_{u0}^2 / (\sigma_{e0}^2 + \sigma_{u0}^2)$  است که در خصوص داده‌های استفاده شده در این مطالعه از آن به عنوان همبستگی درون-دانشگاهی تعبیر می‌شود. همبستگی درون-دانشگاهی غیرصفر ناشی از وجود بیش از یک جمله اخلاص در الگو و بدین معنی است که روشهای تخمین کلاسیک مانند OLS برای تحلیل داده‌های مورد بررسی مناسب نیستند؛ به عبارت دیگر، وقتی  $\sigma_{u0}^2 \neq 0$  نتیجه گرفته می‌شود که داده‌ها با ساختار سلسله مراتبی مواجه‌اند و بنابراین، کاربرد الگوسازی چندسطحی ارجحیت دارد. هر چه این شاخص بیشتر باشد، لزوم استفاده از الگوسازی چندسطحی نیز بیشتر می‌شود.

برای تحلیل تفاوت ساختار مخارج در چارچوب الگوسازی چندسطحی، مقوله اثر گروه‌بندی به طرق متعددی قابل تبیین است. برای نمونه، ظرفیتها و توانایی‌های مدیران و رؤسای دانشگاه‌های مختلف لزوماً یکسان نیستند. اصولاً رؤسای توانمند و مدبر قادرند خدمات آموزشی را با کمترین میزان هزینه عرضه کنند. علاوه بر این، میزان کسب درآمدهای اختصاصی از یک دانشگاه به دانشگاه دیگر متفاوت است و این قبیل درآمدها به توانایی‌های مدیران و اعضای هیئت علمی دانشگاهها بستگی دارد. طبیعتاً هر چه درآمدهای اختصاصی بیشتر باشد، از این ناحیه منابع بیشتری برای ارائه خدمات آموزشی در اختیار مسئولان دانشگاه خواهد بود. ساختار اعضای هیئت علمی و پرسنل اداری [از نظر میزان سرمایه انسانی] هر دانشگاه ممکن است از دانشگاهی به دانشگاه دیگری متفاوت باشد. این مسئله خود به تفاوت ساختار مخارج سرانه آموزشی می‌انجامد. میزان اختصاص منابع انسانی و سایر امکانات دانشگاه به فعالیتهای آموزشی در مقایسه با فعالیتهای پژوهشی، بین دانشگاهها یکسان نیست. سرشکن کردن مخارج دانشگاهها تنها به تعداد دانشجویان سبب ناهمسانی در مخارج سرانه خواهد شد. به هر حال، مواردی از این قبیل، منجر به ایجاد آثار گروهی یا گروه‌بندی خواهد شد که این خود سبب همبستگی بین جمله اخلاص دو مشاهده مربوط به یک دانشگاه می‌شود. این خود بیانگر این خواهد بود که ساختار سلسله مراتبی بر داده‌ها احاطه دارد.

همان‌گونه که از ساختار کواریانس مشاهده می‌شود، واریانس الگوها همسان نیستند. یکی از استدلالهای اساسی که طرفداران الگوسازی چندسطحی مطرح کرده‌اند این است که در شرایط ضرایب متغیر و زمانی که داده‌ها ساختار سلسله

مراتبی دارند، کاربرد روشهای کلاسیک که بر یک الگوی یک سطحی با یک جمله تصادفی/اخلال و بر این فرض مبتنی است که پسماندهای مشاهدات با یکدیگر همبسته نیستند، نتایج غیرمعتبری برای آزمون فرضیه فراهم خواهد کرد. انحراف در آزمون فرضیه در واقع، از آنجا ناشی می‌شود که در چنین ساختاری تخمین واریانس‌ها تورش‌دار خواهد بود؛ یعنی امید ریاضی واریانس برآورد شده از واریانس واقعی کمتر خواهد بود؛ به تعبیر دیگر، واریانس واقعی برآوردکننده OLS با کم‌برآوردی مواجه خواهد بود (Greene, 1993; Maddala, 1992). این مسئله آزمون فرضیه پارامترهای رگرسیون را متأثر خواهد کرد؛ یعنی ممکن است فرضیه  $H_0$  رد شود، در حالی که فرضیه  $H_0$  درست است.

### ناهمسانی مخارج «سرانه» در سطح دانشگاه

جدول ۱ الگوهای مختلفی را که به تحلیل وضعیت ناهمسانی مخارج سرانه بین دانشگاهها می‌پردازند، نشان می‌دهد. بر اساس برآوردهای الگوی ۱، میانگین مخارج سرانه طی سالهای ۷۸-۱۳۷۰ حدود ۹۰۰ هزار ریال بوده است. البته، انحراف از میانگین مذکور بین دانشگاهها نسبتاً زیاد است. با این حال، در الگوی ۱ ساختار همسان بین دانشگاهها در نظر گرفته شده است.

در الگوی ۲ سعی شده است تا همسان بودن ساختار تغییرات مخارج سرانه بین دانشگاهها مورد آزمون قرار گیرد و تغییرات کلی مخارج یا واریانس الگو به دو قسمت [یک قسمت مربوط به تغییرات زمان و قسمت دیگر مربوط به ویژگی‌های دانشگاهها] تجزیه شود. همان گونه که نتایج این الگو نشان می‌دهند، تغییرات آماره

نسبت درست‌نمایی<sup>۲</sup> وجود ساختار ناهمسانی و سلسله مراتبی را تأیید می‌کند؛ یعنی افزودن یک پارامتر در قسمت تصادفی یا جمله اخلاص الگو این آماره را از ۵۱۰۴ به ۵۰۰۸ کاهش می‌دهد. این تغییرات فرضیه عدم مبنی بر تصادفی بودن تغییرات مربوط به ویژگی‌های واحدهای سطح دوم (دانشگاهها) را رد می‌کند؛ به تعبیر دیگر، پارامتر جدیدی مربوط به ویژگی‌های دانشگاهها باید وارد الگو شود تا به کمک آن بتوان رفتار یا تغییرات متغیر وابسته را به طور سیستماتیک تبیین کرد.

علاوه بر این، واریانس جملات اخلاص الگوی ۲ نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد تغییرات مخارج سرانه به تفاوت بین دانشگاهها مربوط می‌شود. در شرایط رقابتی و ایده‌آل میزان این شاخص باید ناچیز و نزدیک به صفر باشد. بنابراین، بالا بودن آن می‌تواند مؤید عدم کارایی تخصیص اعتبارات بین مراکز آموزش عالی باشد؛ هر چند که بخشی از آن ممکن است ناشی از عواملی مانند محل استقرار جغرافیایی، صرفه‌های اقتصادی به مقیاس، روشهای مدیریت، تنوع در ترکیب فعالیتهای آموزشی و پژوهشی و ... یا در نتیجه به کارگیری سیاستهای تأمین‌کننده برابری یا عدالت حاصل شده باشد.

همان گونه که در قسمتهای قبل اشاره شد، مخارج سرانه در طول دوره مورد بررسی با تغییراتی مواجه و روند کلی این شاخص [که به قیمتهای سال ۱۳۷۰ است] کاهشی بوده است. برای آزمون معنی‌داری این روند، متغیر زمان وارد الگو شده است و ضریب آن و نسبت این ضریب به انحراف معیار آن (آماره  $t$ ) نشان می‌دهد که به طور متوسط حدود ۹۰ هزار ریال در سال از مخارج سرانه کاسته

شده است. البته، در الگوی ۴ ضریب این متغیر مورد آزمون قرار گرفته است تا مشخص شود که آیا روند کاهشی مذکور بین دانشگاهها همسان بوده یا اینکه تفاوت معنی‌داری بین کاهش مخارج سرانه در طول دوره مورد بررسی وجود داشته است یا خیر؟ نتایج قسمت تصادفی الگوی ۴ و تغییرات آماره نسبت درست‌نمایی، سیستماتیک بودن تغییرات ضریب متغیر زمان را بین دانشگاههای تحت مطالعه تأیید می‌کند. بر اساس برآوردهای قسمت تصادفی الگوی ۴ و با فرض اینکه ضرایب متغیر  $\beta$  بین دانشگاهها دارای توزیع نرمال باشد، تغییرات مخارج سرانه در طول دوره مورد مطالعه حدود ۹۵ درصد دانشگاهها بین  $\pm 2(99)$  ۸۹ - قرار می‌گیرد.

همان گونه که اشاره شد، بخشی از تغییرات ضرایب برآورد شده [به ویژه تغییرات میانگین مخارج سرانه]، ممکن است به محل استقرار جغرافیایی مربوط باشد. برای آزمون تجربی این نکته موقعیت جغرافیایی دانشگاههای مورد مطالعه به صورت متغیر مجازی وارد الگو شده است، بدین نحو که برای این متغیر در مورد دانشگاههایی که در شهرهای بزرگ [مانند تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز] استقرار یافته‌اند، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک اختصاص یافته است. از آنجا که میزان پرداختی به استادان و پرسنل دانشگاهها در شهرهای کوچک و دور از مرکز بیشتر از افراد مشابه مرکز است، انتظار می‌رود که این ضریب مثبت باشد. با این حال، ضریب این متغیر حاصل از الگوی ۵ نشان می‌دهد که دانشگاههایی که در شهرهای بزرگ استقرار دارند به طور متوسط حدود ۱۴۲ هزار ریال [به قیمتهای ثابت سال ۱۳۷۰] بیشتر از دانشگاههای واقع شده در شهرهای کوچک برای هر دانشجو هزینه کرده‌اند [میانگین کلی مخارج



سرانه برآورد شده از الگوی ۵ حدود ۱۴۱۳ هزار ریال است]. بنابراین، علامت این ضریب خلاف انتظار است و این نکته را می‌توان مطرح کرد که علاوه بر تفاوت در میزان پرداختی به منابع انسانی در شهرهای مختلف، عوامل متعدد دیگری هستند که مخارج سرانه را برخلاف نحوه تأثیرگذاری حقوق و مزایای پرداختی به نیروی انسانی تحت تأثیر قرار داده‌اند.

جدول ۱- الگوهای با ضرایب متغیر برای تحلیل تغییرات مخارج سرانه دانشگاه‌های منتخب

متغیر/آماره	الگوی ۱	الگوی ۲	الگوی ۳	الگوی ۴	الگوی ۵	الگوی ۶
قسمت ثابت:						
عرض از مبدأ	۹۰۱/۴	۹۰۱/۶	۱۳۴۸	۱۳۵۰	۱۴۱۳	۱۱۵۹
(t)	(۲۴/۸)	(۱۲/۱۲)	(۱۵/۲۲)	(۸/۳۲)	(۸/۴۹)	(۵/۴۸)
زمان <sup>۱</sup>			-۸۹/۰۲	-۸۹/۳۲	-۸۹/۳۹	-۶۱
(t)			(-۹/۳۱)	(-۴/۹۱)	(-۴/۹۳)	(-۲/۶۲)
موقعیت					-۱۴۲	۴۳۲
جغرافیایی <sup>۲</sup>					(-۴/۹۳)	(۱/۳۶)
(t)						-۶۴
(موقعیت ج. × (زمان)						(-۱/۸۳)
(t)						
قسمت تصادفی:						
سطح ۲: $\sigma_{u0}^2$		۱۷۰۹۰۰	۱۷۷۷۰۰	۸۸۱۵۰۰	۹۱۰۷۰۰	۸۳۱۴۰۰
$\sigma_{u01}$				-۹۴۱۲۰	-۹۵۷۰۰	-۸۶۸۶۰
$\sigma_{u1}^2$				۹۸۴۵	۹۷۷۴	۸۷۸۸
سطح ۱: $\sigma_{e0}^2$	۴۲۶۵۰۰	۲۵۵۱۰۰	۱۹۵۹۰۰	۱۲۲۲۰۰	۱۲۲۲۰۰	۱۲۲۲۰۰
$-2*\log(lh)$	۵۱۰۴	۵۰۰۸	۴۹۳۲	۴۷۹۲	۴۷۸۶	۴۷۸۳
$\rho$		۰/۴۰۱				
تعداد مشاهدات	۳۲۳	۳۲۳	۳۲۳	۳۲۳	۳۲۳	۳۲۳

۰۱ متغیر زمان به صورت ۹, ..., 1, t=I وارد الگو شده که عدد یک متناظر با سال ۱۳۶۹ و عدد ۹ متناظر با سال ۱۳۷۸ است. این دوره زمانی به دلیل دسترسی به ارقام قطعی مخارج دانشگاهها و نیز آمار دانشجویان در زمان انجام شدن مطالعه انتخاب شده است.

۰۲ موقعیت جغرافیایی به صورت متغیر مجازی (صفر برای شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز، و ۱ برای سایر شهرها) استفاده شده است.

قسمت تصادفی الگو، واریانس و کواریانس جملات اخلال الگوها را [که به عرض از مبدأ و سایر ضرایب متغیر مربوط است] دربر دارد.

در الگوی ۶ مسئله تغییر مخارج سرانه بین موقعیتهای جغرافیایی مورد بحث در طول زمان آزمون شده است. نتایج این الگو نشان می‌دهند که مخارج سرانه در مجموع در طول زمان [حدود ۶۱ هزار ریال در سال] کاهش یافته است. ضریب متغیر مجازی موقعیت جغرافیایی مثبت است، اما از نظر آماری معنی‌دار نیست؛ در این خصوص، این نتیجه را می‌توان مطرح کرد که میانگین ابتدای دوره مخارج سرانه بین مراکز آموزشی مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری نداشته است. اما کاهش مخارج سرانه در طول زمان در خصوص دانشگاههای مستقر در شهرهای کوچک [یعنی ضریب "حاصل ضرب موقعیت جغرافیایی و زمان"] به طور معنی‌داری بیشتر از سایر دانشگاهها بوده است؛ به تعبیر دیگر، بخشی از تفاوت مخارج سرانه بین دانشگاهها به محل استقرار مربوط می‌شود.

### ناهمسانی مخارج جاری سرانه بین دانشگاهها

نتایج الگوهای تحلیل ناهمسانی مخارج جاری سرانه بین دانشگاههای مورد مطالعه در جدول ۲ آمده است. الگوی ۲ وجود ناهمسانی معنی‌دار بین مخارج جاری سرانه دانشگاهها را نشان می‌دهد. نتایج این الگو مؤید این نکته است که حدود ۳۰ درصد تغییرات یا واریانس الگو به مشخصه‌های دانشگاه مربوط می‌شود. هر چند این شاخص از رقم مشابه مخارج سرانه کل [گزارش شده در قسمت قبل] کمتر است، اما در مجموع میزان آن در سطح نسبتاً بالایی است و باید بخشی از آن را به ناکارایی تخصیص منابع بین دانشگاهها نسبت داد.

میانگین مخارج جاری سرانه در کل دوره حدود ۵۹۵ هزار ریال برآورد شده است (الگوهای ۱ و ۲)، اما در ابتدای دوره این شاخص حدود ۸۹۸ هزار ریال (الگوی ۵) بوده است. مخارج جاری سرانه نیز در طول زمان [با حدود ۵۳ هزار ریال در سال] کاهش یافته و البته، نرخ کاهش این شاخص بین دانشگاهها متفاوت بوده است. براساس نتایج الگوی ۵ جدول ۲، در طول دوره مورد بررسی، تغییرات مخارج جاری سرانه حدود ۹۵ درصد دانشگاهها در فاصله  $۲(۷۶/۶) \pm ۵۳/۲$  قرار داشته است.

موقعیت جغرافیایی دانشگاه نیز به طور معنی‌داری مخارج جاری سرانه را متأثر کرده است. بر اساس نتایج الگوی ۵، دانشگاههایی که در شهرهای بزرگ استقرار یافته‌اند، برای هر دانشجو و در قالب اعتبارات جاری، به طور متوسط ۷۰ هزار ریال بیشتر از دانشگاههایی که در شهرهای کوچک واقع شده‌اند، هزینه کرده‌اند. البته، از نظر مقایسه‌ای، این رقم کمتر از ۵۰ درصد رقم مشابه مخارج سرانه کل (الگوی ۵ جدول ۱) است.

در مجموع، برآوردهای ارائه شده در ارتباط با مخارج سرانه مؤید این نکته است که میزان مخارج جاری سرانه و دامنه تغییرات آن کمتر از شاخصهای مشابه مخارج (جاری و غیرجاری) سرانه است. البته، باید اشاره شود که تحلیل‌های ارائه شده در این قسمت و قسمت قبل، ناهمسانی بین گروههای آموزشی را نادیده می‌گیرند. از آنجا که تربیت نیروی انسانی در هر یک از این گروهها با هزینه متفاوتی انجام می‌پذیرد، به طور منطقی این ناهمسانی باید در نظر گرفته شود. تحلیل مخارج [مستقیم آموزشی] جاری به ازای هر دانشجو به تفکیک گروههای آموزشی، یک روش برای حل مشکل مذکور است. برای این منظور،

در ادامه مقاله میزان مخارج جاری سرانه و روند تحول آن در هر یک از گروههای آموزشی (علوم پایه، فنی و مهندسی، علوم انسانی و کشاورزی) بین دانشگاههای منتخب تحلیل و بررسی می شود.

جدول ۲- الگوهای با ضرایب متغیر برای تحلیل تغییرات «میانگین» مخارج جاری سرانه

بین دانشگاههای منتخب

الگوی ۵	الگوی ۴	الگوی ۳	الگوی ۲	الگوی ۱	متغیر/آماره
۸۹۸/۶ (۸/۵۵)	۸۶۷/۱ (۸/۴۴)	۸۵۲/۶ (۱۷/۶۲)	۵۹۵/۸ (۱۵/۸۴)	۵۹۵/۵ (۲۸/۸۰)	قسمت ثابت: عرض از مبدأ (t)
-۵۳/۱۷ (-۳/۹۶)	-۵۳/۱۷ (-۳/۹۶)	-۵۰/۹۷ (-۸/۴۸)			زمان <sup>۱</sup> (t)
-۷۰/۷۴ (-۱/۹۶)					موقعیت جغرافیایی <sup>۲</sup> (t)
۳۶۸۴۰۰ -۴۶۳۲۰ ۵۸۷۴ ۳۵۶۸۰	۳۶۰۲۰۰ -۴۵۶۶۰ ۵۸۶۳ ۳۵۶۸۰	۴۲۵۹۰ ۷۶۶۲۰	۴۰۰۷۰ ۹۶۱۶۰	۱۳۶۴۰۰	قسمت تصادفی: سطح ۲: $\sigma_{u0}^2$ $\sigma_{u01}$ $\sigma_{u1}^2$ سطح ۱: $\sigma_{e0}^2$
۴۳۷۳	۴۳۷۶	۴۵۵۷	۴۶۲۱ ۰/۲۹۴	۴۶۷۷	$-2*\log(lh)$
۳۱۹	۳۱۹	۳۱۹	۳۱۹	۳۱۹	$\rho$ تعداد مشاهدات

۱ و ۲. به توضیحات جدول ۱ مراجعه شود.

### ناهمسانی مخارج مستقیم آموزشی سرانه به تفکیک گروههای آموزشی

گروههای آموزشی در نظام بودجه ریزی به پنج گروه (پزشکی، علوم پایه، فنی و مهندسی، انسانی و کشاورزی) تقسیم می شوند. در این قسمت وضعیت چهار گروه آخر که تأمین نیازهای آموزشی در این خصوص جزو وظایف و

مسئولیت‌های اصلی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، تحلیل می‌شود. برای انجام دادن این مهم، در ابتدا وضعیت مخارج جاری سرانه هر گروه تحلیل و سپس وضعیت گروه مورد نظر در مقایسه با سایر گروهها [یعنی هر یک از گروهها به طور جداگانه و همچنین، میانگین همه گروهها] ارائه می‌شود.

### مخارج مستقیم آموزشی سرانه گروه علوم پایه

میانگین کلی مخارج مستقیم آموزشی سرانه در گروه علوم پایه طی سالهای ۷۸-۱۳۷۰، بدون در نظر گرفتن ساختار سلسله مراتبی، حدود ۵۲۰ هزار ریال بوده است [۶]. الگوی ۲ شواهد تجربی را برای تأیید اینکه میانگین مخارج آموزشی سرانه بین دانشگاهها به طور معنی‌داری متغیر است، ارائه می‌دهد. براساس نتایج این الگو، حدود ۹۵ درصد میانگین مخارج سرانه دانشگاهها در طول دوره در فاصله  $۵۳۲ \pm ۲(۲۹۴)$  قرار داشته است. همچنین، اطلاعات بخش تصادفی الگو نشان می‌دهد که بیش از ۴۱ درصد تغییرات میانگین مخارج سرانه به ناهمسانی در ویژگی‌های دانشگاهها اختصاص داشته است. نکته جالب توجه این است که درصد تغییرات مورد بحث در گروه علوم پایه به مراتب بیشتر از میانگین گروههایی است که در قسمت قبل ارائه شد.

نتایج الگوهای ۳ تا ۵ نشان می‌دهند که اولاً میانگین مخارج مستقیم آموزشی سرانه در طول زمان بین دانشگاهها به طور سیستماتیک تغییر کرده است. بر اساس برآوردهای الگوی ۵، در ابتدای دوره میانگین مخارج سرانه حدود ۸۷۵ هزار ریال بوده که هر سال حدود ۵۸ هزار ریال از آن کاسته شده است. البته، دامنه کاهش بین دانشگاهها متفاوت است و میزان آن برای ۹۵ درصد دانشگاهها در فاصله  $۵۸ \pm ۲(۱۱۶)$  هزار ریال قرار می‌گیرد. ثانیاً، هر چند که ضریب متغیر

مجازی [معرف محل استقرار دانشگاه] دارای علامت منفی و ممکن است مؤید تفاوت در مخارج سرانه دانشگاههای واقع شده در شهرهای بزرگ در مقایسه با شهرهای کوچک باشد، اما از نظر آماری این تفاوت در گروه آموزشی علوم پایه معنی دار نیست. افزایش حجم نمونه یا مشاهدات تحت بررسی می تواند بستر مناسب تری برای دستیابی به نتیجه قطعی تر فراهم آورد.

رفتار متغیرهای الگوهای گروه علوم پایه به طور کلی مشابه ضرایب الگوهای میانگین گروههاست؛ با این حال، در خصوص کاهش مخارج در طول زمان تفاوت چشمگیری وجود دارد؛ یعنی کاهش مخارج جاری آموزشی در گروه علوم پایه حدود ۵۰ درصد رقم مشابه میانگین گروهها [ضریب متغیر زمان الگوی ۵ جدول ۳ در مقایسه با الگوی مشابه از جدول ۲] بوده است.

جدول ۳- الگوهای با ضرایب متغیر برای تحلیل تغییرات مخارج مستقیم آموزشی جاری سرانه گروه علوم پایه بین دانشگاههای منتخب

الگوی ۵	الگوی ۴	الگوی ۳	الگوی ۲	الگوی ۱	متغیر/آماره
۸۷۵/۹	۸۵۳/۱	۷۶۳/۹	۵۳۲	۵۱۹/۵	قسمت ثابت: عرض از مبدأ
(۴/۸۲)	(۴/۸۲)	(۱۰/۶۹)	(۹/۴۴)	(۱۹)	(t)
-۵۷/۸۶	-۵۷/۳۵	-۴۴/۲۷			زمان <sup>۱</sup>
(-۲/۷۰)	(-۲/۷۱)	(-۵/۵۶)			(t)
-۳۷/۴۷					موقعیت جغرافیایی <sup>۲</sup>
(-۰/۹۵)					(t)
۹۹۴۴۰۰	۹۵۶۲۰۰	۹۴۷۵۰	۸۶۵۸۰		قسمت تصادفی:
-۱۱۶۲۰۰	-۱۱۲۳۰۰				سطح ۲: $\sigma_{u0}^2$
۱۳۶۰۰	۱۳۲۰۰				$\sigma_{u01}$
۴۴۱۹۰	۴۴۱۹۰	۱۰۹۰۰۰	۱۲۳۹۰۰	۲۰۳۳۰۰	$\sigma_{u1}^2$
					سطح ۱: $\sigma_{e0}^2$

۳۷۹۷	۳۷۹۸	۳۹۹۴	۴۰۲۳	۴۰۹۶	$-2*\log(lh)$
			۰/۴۱۱		$\rho$
۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	تعداد مشاهدات

۱ و ۲. به توضیحات جدول ۱ مراجعه شود.

### مخارج مستقیم آموزشی سرانه گروه فنی و مهندسی

میانگین کلی مخارج سرانه آموزشی گروه فنی و مهندسی طی سالهای ۷۸-۱۳۷۰ حدود ۴۹۵ هزار ریال (الگوی ۱ جدول ۴) بوده است که در مقایسه با میانگین گروهها و نیز گروه علوم پایه قدری کمتر است. در الگوی ۲ ناهمسان بودن ساختار داده‌ها بین دانشگاهها مورد بررسی قرار گرفته است. تغییرات آماره نسبت درست نمایی نیز مواجه بودن داده‌ها با ساختار ناهمسانی و سلسله مراتبی را تأیید می‌کند. بنابراین، برای حصول به استنباط آماری درست، لحاظ کردن این ساختار ناهمسانی از طریق متغیر در نظر گرفتن ضرایب الگو ضروری است.

همچنین، نتایج به دست آمده از الگوی ۲ نشان می‌دهند که حدود ۳۵ درصد تغییرات یا واریانس مخارج به تفاوت بین دانشگاهها مربوط است. این شاخص از رقم مشابه میانگین گروهها بیشتر و از رقم گروه علوم پایه کمتر است. در الگوهای ۲ تا ۵ ضرایبی که از ساختار ناهمسان مورد بحث متأثر می‌شوند، به طور تجربی آزمون شده است و آماره نسبت درست نمایی متغیر بودن عرض از مبدأ و نیز ضریب متغیر توضیحی زمان را تأیید می‌کند. الگوی ۵ نتایج نهایی ساختار مخارج سرانه در گروه فنی و مهندسی را به دست می‌دهد. براساس یافته‌های این الگو، میانگین مخارج مستقیم آموزشی (جاری) سرانه حدود ۸۴۹ هزار ریال بوده است [۷] که این رقم به تدریج با تجربه کردن روند کاهش طی دوره مورد بحث، حدود ۵۸ هزار ریال در سال کاهش یافته است. البته، این روند



کاهش بین دانشگاهها همسان نیست و میزان کاهش سالانه برای ۹۵ درصد دانشگاهها در فاصله  $(۹۰) \pm ۲ - ۵۸$  قرار می‌گیرد.

نکته قابل توجه دیگر، تفاوت میانگین مخارج مستقیم آموزشی سرانه بین مناطق مختلف است. تفاوت این شاخص بین دانشگاههایی که در شهرهای بزرگ واقع شده‌اند در مقایسه با دانشگاههای واقع در شهرهای کوچک از نظر آماری معنی‌دار است و نتایج تجربی نشان می‌دهند که طی سالهای مورد بررسی، مخارج سرانه مورد بحث در دانشگاههای واقع در شهرهای بزرگ حدود ۷۷ هزار ریال بیشتر بوده است.

جدول ۴- الگوهای با ضرایب متغیر برای تحلیل تغییرات مخارج مستقیم آموزشی جاری سرانه گروه فنی-مهندسی بین دانشگاههای منتخب

الگوی ۵	الگوی ۴	الگوی ۳	الگوی ۲	الگوی ۱	متغیر/آماره
۸۴۸/۸	۸۱۲/۸	۷۶۳	۴۸۷/۵	۴۹۴/۵	قسمت ثابت: عرض از مبدأ
(۵/۵۶)	(۵/۴۵)	(۱۱/۰۰)	(۹/۳۳)	(۱۷/۴۸)	(t)
-۵۸/۱۸	-۵۷/۶۵	-۵۰/۶۱			زمان <sup>۱</sup>
(-۳/۱۷)	(-۳/۱۵)	(-۶/۰۰)			(t)
-۷۷/۲۶					موقعیت جغرافیایی <sup>۲</sup>
(-۱/۶۸)					(t)
۵۸۹۰۰۰	۵۷۴۲۰۰	۶۵۶۰۰	۶۴۳۴۰		قسمت تصادفی:
-۶۹۴۱۰	-۶۸۲۴۰				سطح ۲: $\sigma_{u0}^2$
۸۱۶۲	۸۱۱۵				$\sigma_{u01}$
۵۲۸۰۰	۵۲۹۶۰	۱۰۳۷۰۰	۱۲۱۷۰۰	۱۸۸۱۰۰	$\sigma_{u1}^2$
					سطح ۱: $\sigma_{e0}^2$
۳۳۰۴	۳۳۰۷	۳۴۳۳	۳۴۶۷	۳۵۲۱	$-2 * \log(lh)$

			۰/۳۴۶		$\rho$
۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵	تعداد مشاهدات

۱ و ۲. به توضیحات جدول ۱ مراجعه شود.

از نظر مقایسه‌ای، نتایج الگوهای برآورد شده نشان می‌دهند که متوسط مخارج سرانه ابتدای دوره و همچنین، میزان کاهش سالانه آن در گروه فنی و مهندسی نزدیک به ارقام مشابه "میانگین گروههاست". اما در مقایسه با گروه علوم پایه، تفاوت اصلی به میزان کاهش سالانه بر می‌گردد؛ یعنی در گروه فنی و مهندسی کاهش سالانه حدود ۵۸ هزار ریال بوده که این رقم در گروه علوم پایه حدود ۳۷ هزار ریال بوده است.

### مخارج مستقیم آموزشی سرانه گروه هنر، علوم انسانی و علوم اجتماعی

میانگین مخارج مستقیم آموزشی به ازای هر دانشجو در گروه هنر، علوم انسانی و علوم اجتماعی طی دوره مورد بررسی حدود ۲۵۲ هزار ریال بوده است که در مقایسه با سایر گروهها در سطح بسیار پایینی قرار دارد. با این حال، آزمونهای آماری مؤید این مطلب است که ساختار داده‌های مورد استفاده برای مطالعه مخارج سرانه گروه هنر، علوم انسانی و علوم اجتماعی با ناهمسانی مواجه بوده است که این ساختار ضرایب الگوهای تحت تخمین را متأثر می‌سازد. همچنین، برآوردهای مربوط به آماره  $\rho$  نشان می‌دهند که حدود ۲۹ درصد تغییرات مخارج سرانه در این گروه به تغییرات بین دانشگاهی مربوط است که در بین گروهها، پس از گروه کشاورزی، کمترین نسبت را نشان می‌دهد.

رفتار ضرایب برآورد شده در این گروه نیز مشابه گروههای قبلی است (الگوهای ۲ تا ۵ جدول ۵) با این تفاوت که میزان "ضرایب برآورد شده" به طور چشمگیری از ارقام مشابه سایر گروهها کمتر است. برای نمونه، از نتایج الگوی ۵ جدول ۵ که وضعیت نهایی ضرایب برآورد شده را ارائه می دهد، ملاحظه می شود که میانگین مخارج مستقیم آموزشی در ابتدای دوره حدود ۳۸۰ هزار ریال بوده است که این میزان با رقم مشابه سایر گروهها تفاوت چشمگیری دارد [۸].

مخارج سرانه در این گروه نیز روند کاهشی را تجربه کرده و میزان کاهش در هر سال حدود ۲۲ هزار ریال بوده است. البته، میانگین مخارج و میزان کاهش آن بین دانشگاههای تحت بررسی یکسان نیست و انحراف معیار این ضرایب به ترتیب ۲۷۶ و ۳۵ است.

در رشتههای گروه هنر، علوم انسانی و علوم اجتماعی، دانشگاههای واقع در شهرهای بزرگ به ازای هر دانشجو حدود ۳۹ هزار ریال بیشتر از میانگین به صورت مخارج مستقیم آموزشی هزینه کرده اند. هر چند که این رقم از نظر قدر مطلق در مقایسه با سایر گروهها کمتر است، اما میزان آن حدود ۱۰ درصد مخارج سرانه در ابتدای دوره است.

#### مخارج مستقیم آموزشی سرانه گروه علوم کشاورزی و دامپزشکی

میانگین کلی مخارج سرانه گروه کشاورزی و دامپزشکی طی سالهای ۷۸-۱۳۷۰ در بین دانشگاهها حدود ۶۱۰ هزار ریال بوده که این رقم در بین گروههای آموزشی تحت بررسی بیشترین مقدار است. دادههای مخارج سرانه مربوط به

دانشگاه‌های این گروه و سالهای مورد مطالعه نیز دارای ساختار یکسان نیستند و این ناهمسانی ضرایب تحت تخمین را متأثر می‌سازد.

جدول ۵- الگوهای با ضرایب متغیر برای تحلیل تغییرات مخارج مستقیم آموزشی جاری  
سرانه گروه علوم انسانی بین دانشگاههای منتخب

متغیر/آماره	الگوی ۱	الگوی ۲	الگوی ۳	الگوی ۴	الگوی ۵
قسمت ثابت:					
عرض از مبدأ	۲۵۲/۴	۲۴۶/۹	۳۷۴	۳۶۱/۱	۳۷۹/۳
(t)	(۲۱/۴۴)	(۱۱/۸۵)	(۱۳/۵۴)	(۶/۷۰)	(۶/۷۳)
زمان <sup>۱</sup>			-۲۴/۰۴	-۲۲/۲۲	-۲۱/۹۹
(t)			(-۶/۶۶)	(-۳/۱۱)	(-۳/۰۷)
موقعیت جغرافیایی <sup>۲</sup>					-۳۹/۰۲
(t)					(-۱/۵۵)
قسمت تصادفی:					
سطح ۲: $\sigma_{u0}^2$		۹۵۷۱	۹۰۰۶	۷۲۹۳۰	۷۶۱۹۰
$\sigma_{u01}$				-۹۲۱۹	-۹۴۷۰
$\sigma_{u1}^2$				۱۲۰۹	۱۲۱۱
سطح ۱: $\sigma_{e0}^2$	۳۳۲۴۰	۲۳۵۷۰	۱۹۶۸۰	۱۰۵۵۰	۱۰۵۵۰
$-2*\log(lh)$	۳۱۸۰	۳۱۴۰	۳۰۹۹	۲۹۹۶	۲۹۹۴
$\rho$		۰/۲۸۹			
تعداد مشاهدات	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰

۱ و ۲. به توضیحات جدول ۱ مراجعه شود.

الگوی ۲ که در آن واریانس به دو قسمت [قسمت اول مربوط به ناهمسانی بین سالهای مورد بررسی و قسمت دوم مربوط به ناهمسانی بین دانشگاهها] تجزیه شده است، نشان می‌دهد که بیش از ۱۵ درصد تغییرات و ناهمسانی در مخارج به تفاوت در ویژگی‌های دانشگاهها مربوط می‌شود. البته، میزان این شاخص در مقایسه با سایر گروهها کمترین مقدار است. یکی از دلایل اصلی این

مسئله، محدود بودن تعداد دانشگاههایی است که خدمات آموزشی در گروه کشاورزی را ارائه می‌کنند؛ مسلماً هر چقدر تعداد دانشگاهها افزایش یابد، انتظار می‌رود ناهمسانی در میانگین مخارج سرانه نیز بیشتر شود.

جدول ۶- الگوهای با ضرایب متغیر برای تحلیل تغییرات و ناهمسانی در مخارج مستقیم آموزشی جاری سرانه در گروه کشاورزی بین دانشگاههای منتخب

الگوی ۵	الگوی ۴	الگوی ۳	الگوی ۲	الگوی ۱	متغیر/آماره
					قسمت ثابت:
۹۹۲/۲	۱۰۴۴	۱۰۴۶	۶۰۵/۷	۶۰۹/۳	عرض از مبدأ
(۵/۹۷)	(۶/۶۰)	(۹/۷۸)	(۸/۵۵)	(۱۲/۷۴)	(t)
-۸۵/۹۵	-۸۵/۷۷	-۸۶/۰۲			زمان <sup>۱</sup>
(-۴/۳۲)	(-۴/۳۱)	(-۵/۴۴)			(t)
۸۸/۶۶					موقعیت جغرافیایی <sup>۲</sup>
(۰/۸۶)					(t)
					قسمت تصادفی:
۳۱۵۶۰۰	۳۴۱۴۰۰	۶۵۰۳۰	۶۱۳۴۰		سطح ۲: $\sigma_{u0}^2$
-۳۳۲۴۰	-۳۴۸۹۰				$\sigma_{u01}$
۳۱۶۱	۳۱۶۶				$\sigma_{u1}^2$
۲۵۷۸۰۰	۲۵۷۸۰۰	۲۸۰۴۰۰	۳۳۳۸۰۰	۳۹۵۴۰۰	سطح ۱: $\sigma_{e0}^2$
۲۶۶۷	۲۶۶۸	۲۶۸۳	۲۷۱۰	۲۷۲۱	$-2*\log(lh)$
			۰/۱۵۵		$\rho$
۱۷۳	۱۷۳	۱۷۳	۱۷۳	۱۷۳	تعداد مشاهدات

۱ و ۲. به توضیحات جدول ۱ مراجعه شود.

در الگوهای ۲ تا ۵ جدول ۶، تأثیرپذیری ضرایب متغیرهای تحت بررسی از ساختار ناهمسان و سلسله مراتبی داده‌ها مورد آزمون قرار گرفته است. همان گونه که نتایج به دست آمده نشان می‌دهند، این ساختار هم عرض از مبدأ و هم شیب الگوها را تحت تأثیر قرار داده است. بر اساس نتایج الگوی ۵، در ابتدای دوره به طور متوسط حدود ۱۰۰۰ ریال به ازای هر دانشجو از طریق مخارج مستقیم آموزشی (جاری) هزینه شده است که این رقم در مقایسه با میانگین کل گروهها [یعنی ۹۰۰ هزار ریال] بیشتر می‌باشد.

مخارج سرانه در گروه کشاورزی نیز، مانند سایر گروهها، در طول سالهای ۷۸-۱۳۷۰ کاهش یافته که این رقم به طور متوسط در هر سال حدود ۸۶ هزار ریال بوده است. میزان کاهش سالانه بین دانشگاهها متفاوت است و این شاخص برای ۹۵ درصد دانشگاهها در فاصله  $(۵۶) \pm ۲ - ۸۶$  قرار می‌گیرد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه ناهمسانی و نابرابری در مخارج سرانه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی منتخب [تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری] به منظور ارزیابی کارایی تخصیص اعتبارات با استفاده از روش الگوسازی دوسطحی که مبتنی بر الگوهای با ضرایب متغیر است، تحلیل و ارائه شد. نتایج به دست آمده نشان دادند که تفاوت معنی‌داری در ساختار مخارج سرانه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی وجود دارد. برای حصول به نتایج مشخص، در خصوص مقوله کارایی، کنترل‌های لازم برای همسان‌سازی داده‌ها در خصوص مقطع تحصیلی،

رشته تحصیلی، نرخ تورم و ... انجام شده است. تحلیل‌های انجام شده با استفاده از تکنیک الگوسازی چندسطحی نتایج زیر را به دست می‌دهد:

۱. داده‌های استفاده شده دارای ساختار ناهمسان و سلسله مراتبی است که این ساختار روش الگوسازی را متأثر می‌سازد.

۲. برآوردهای حاصل از الگوسازی دوسطحی نشان می‌دهند که بین ۱۵ درصد [در مورد گروه کشاورزی] و ۴۱ درصد [در مورد گروه علوم پایه] تغییرات مخارج سرانه به تفاوت ویژگی‌های دانشگاهها مربوط می‌شود. این ویژگی‌ها به تنوع در مدیریت، ناهمسانی در انباشت سرمایه انسانی پرسنل [به ویژه پرسنل آموزشی]، وجود نابرابری در صرفه‌های اقتصادی به مقیاس و ... قابل انتساب‌اند. در شرایط رقابتی، نابرابری ۱۵ تا ۴۱ درصد یاد شده دور از انتظار است؛ در چنین شرایطی باید این شاخص صفر یا نزدیک به صفر باشد. هر چقدر این شاخص در سطح بالاتری باشد، مبین آن است که شرایط غیررقابتی بر مؤسسات عرضه‌کننده خدمات آموزشی حاکم است. البته، همان‌گونه که اشاره شد، در دنیای واقعی نمی‌توان انتظار داشت که ضریب در حد صفر باشد، اما بخش زیادی از آن را باید به عدم کارایی نسبت داد. علاوه بر موارد پیشگفته، سیاستهای اقتصادی- اجتماعی برای عدالت و برابری می‌تواند یکی از علل نابرابری‌ها باشد.

۳. برآوردهای تجربی مؤید این است که میزان ناهمسانی در ساختار مخارج سرانه بین دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در گروه هنر، علوم انسانی و علوم اجتماعی کمترین و در گروه کشاورزی بیشترین است.



۴. علاوه بر وجود ساختار ناهمسان مخارج سرانه، نتایج نشان می‌دهند که روند تحول مخارج سرانه به قیمتهای ثابت سال ۱۳۷۰ کاهش داشته و میزان کاهش بین دانشگاهها و نیز بین گروههای آموزشی متفاوت بوده است.

۵. علی‌رغم وجود نابرابری‌های زیاد، طی دوره ۸۷- ۱۳۷۰ نابرابری بین مراکز آموزشی تحت بررسی کاهش یافته است که می‌توان این تحول را در جهت بهبود و افزایش کارایی تخصیص منابع تعبیر کرد.

۶. در راستای عدالت و برابری و برای جذب کادر هیئت علمی، اصولاً دانشگاههای مستقر در مناطق دور افتاده و شهرهای کوچک امتیازات خاصی از نظر حقوق و مزایا به منابع انسانی پرداخت می‌کنند و بخشی از ناهمسانی بین مخارج سرانه مطرح به این مسئله مربوط می‌شود؛ یعنی این انتظار وجود دارد که از ناحیه پرداختی به پرسنل، مخارج سرانه دانشگاهها و مراکز آموزشی شهرهای کوچک بیشتر از مراکز مشابه شهرهای بزرگ باشد. با این حال، نتایج تجربی نشان می‌دهند که مخارج سرانه دانشگاههای شهرهای بزرگ به طور چشمگیری از مخارج سرانه دانشگاههای مستقر در شهرهای کوچک بیشتر است. این نتیجه این نکته را خاطر نشان می‌کند که علاوه بر مزایای دوری از مرکز و مناطق غیربرخوردار (محروم)، عوامل متعدد دیگری [مانند بالاتر بودن میانگین درجه علمی و سابقه فعالیتهای علمی پرسنل که مسقیماً ساختار پرداختی و بنابراین مخارج آموزشی را متأثر می‌سازند] وجود دارند که سبب غالب شدن آثار نهایی عوامل مزبور بر آثار نهایی موقعیت جغرافیایی در ارتباط با مخارج سرانه دانشگاهها در شهرهای بزرگ می‌شوند.

۷. هرچند طی سالهای مورد بررسی، دامنه نابرابری مخارج سرانه بین دانشگاههای مورد مطالعه کاهش یافته است، با این حال، نتایج تحلیل‌های چند سطحی نشان دادند که هنوز تفاوت زیادی در مخارج سرانه دانشگاههای مختلف وجود دارد. تلاش در جهت توزیع عادلانه‌تر اعتبارات، به خصوص برای تشویق مراکز آموزشی با هزینه متوسط سرانه کمتر، سبب ارتقای کارایی مخارج آموزشی دولت خواهد شد.

### پیوستها

#### پیوست آماری

تحلیل‌های ارائه شده در این مطالعه، مبتنی بر داده‌های استخراج شده از ۳۶ دانشگاه تحت پوشش و وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، جمع کل مخارج این دانشگاهها در برخی سالها به بیش از ۵۰ درصد کل مخارج بخش آموزش عالی بالغ شده است. برای بررسی عمیق‌تر ساختار مخارج دانشگاههای مذکور، اطلاعات لازم درباره "حداقل" مخارج سرانه، "حداکثر" مخارج سرانه و "انحراف از میانگین" برای هریک از دانشگاهها در جدول ض. ۱ گزارش شده است.

جدول ض. ۱ - مخارج (جاری و کل) سرانه

انحراف معیار	مخارج (جاری و سایر) سرانه			مخارج جاری سرانه				دانشگاه
	حداکثر	حداقل	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	
167/8	947/0	540/3	706/0	70/0	637/6	425/9	535/3	1 دانشگاه اراک
295/6	1175/2	487/9	825/6	110/6	639/0	364/1	495/9	2 دانشگاه ارومیه
76/8	594/5	387/1	494/0	85/0	582/2	290/8	384/5	3 دانشگاه اصفهان
100/3	874/1	596/4	715/5	70/9	693/0	524/5	601/6	4 دانشگاه الزهرا
1622	5482/6	512/4	1421/0	1145	3688	301/4	961/4	5 دانشگاه ایلام
363/5	1659/3	587/2	952/8	344/9	1411	439/0	727/8	6 دانشگاه بوعلی سینا
382/6	1614/5	638/9	1019/0	93/7	769/8	533/4	640/2	7 دانشگاه بیرجند
599/5	2389/3	478/6	1087/7	259/1	1083	307/6	559/9	8 دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
144/9	1055/1	669/5	819/1	144/4	827/9	444/3	593/4	9 دانشگاه تبریز
62/5	551/3	385/7	448/4	55/8	436/5	264/7	335/5	10 دانشگاه تربیت مدرس
105/8	899/1	566/8	686/3	95/4	782/0	467/8	603/1	11 دانشگاه تربیت معلم
729/8	2935/9	981/1	1642/8	373/4	1523	466/4	782/1	12 دانشگاه تربیت معلم تبریز
299/4	1421/8	679/9	986/2	159/6	877/6	408/3	567/3	13 دانشگاه تربیت معلم سبزوار
66/8	602/6	404/2	497/5	47/8	493/6	338/3	392/0	14 دانشگاه تهران
776/3	2856/5	522/0	1249/2	297/6	1329	366/7	680/5	15 دانشگاه رازی
398/5	1450/9	396/9	796/2	218/5	942/0	355/8	596/8	16 دانشگاه سیستان و بلوچستان
427/6	1483/4	368/0	953/3	179/4	777/5	301/4	485/2	17 دانشگاه شهرکرد
235/3	986/5	361/0	664/6	136/0	712/7	290/3	484/9	18 دانشگاه شهید باهنر
51/5	523/5	371/4	444/2	42/6	438/2	306/6	376/2	19 دانشگاه شهید بهشتی
171/7	1012/5	509/4	691/6	118/0	737/1	393/2	512/0	20 دانشگاه شهید چمران
99/8	827/4	532/3	620/0	66/3	642/9	439/7	511/2	21 دانشگاه شیراز
177/2	1309/5	743/0	951/0	95/2	885/1	521/1	705/7	22 دانشگاه صنعتی اصفهان

ادامه جدول ض. ۱ - مخارج (جاری و کل) سرانه

98/3	840/0	581/3	702/1	87/4	685/7	423/0	530/4	دانشگاه صنعتی امیرکبیر	23
144/1	1190/5	696/0	856/7	115/1	1036	648/2	779/7	دانشگاه ص. خواجه نصیر...	24
1549	5182/5	1395	2894/3	1160	4088	721/5	1691	دانشگاه صنعتی سهند	25
92/2	970/3	679/2	736/7	85/5	755/4	463/4	572/1	دانشگاه صنعتی شریف	26
52/5	502/3	325/1	422/8	44/5	418/8	273/5	373/2	دانشگاه علامه طباطبائی	27
64/0	690/9	519/9	580/7	39/8	544/6	414/7	485/0	دانشگاه علم و صنعت	28
203/5	1174/8	563/4	773/7	116/3	776/0	418/8	533/3	دانشگاه فردوسی	29
202/4	993/3	459/3	705/1	82/9	612/9	355/6	451/7	دانشگاه کاشان	30
231/3	1102/8	420/6	663/1	225/4	۲101	364/6	624/5	دانشگاه کردستان	31
306/3	1373/5	526/9	923/4	132/8	824/4	424/2	591/3	دانشگاه گیلان	32
727/8	2810/6	917/8	1665/0	278/9	۷121	426/7	721/8	دانشگاه لرستان	33
291/5	1630/0	643/6	1042/0	179/9	908/1	410/6	585/9	دانشگاه مازندران	34
815/1	3092/5	465/5	993/5	149/2	766/6	379/4	523/5	دانشگاه اردبیل	35
291/5	1448/0	554/5	826/1	158/1	843/7	310/0	458/8	دانشگاه یزد	36

توضیح: ارقام بر اساس قیمت‌های سال ۱۳۷۰ تعدیل شده است.

تعداد دانشجویان بر اساس ناهمسانی‌های بین مقاطع تحصیلی تعدیل و دانشجوی معیار استفاده شده است. توضیحات بیشتر در این خصوص در ادامه آمده است.

نحوه محاسبه "دانشجوی معیار"

هزینه تربیت نیروی انسانی در رشته‌های مختلف و در مقاطع تحصیلی متفاوت یکسان نیست. از همین رو، بدون در نظر گرفتن این ناهمسانی‌ها و با توجه به

اینکه مخارج آموزش عالی به تفکیک مقاطع تحصیلی در دسترس نیست، قابلیت مقایسه ارقام مخارج سرانه بین گروههای آموزشی با مشکل مواجه است. برای رفع این مشکل، ناگزیر باید "دانشجوی معیار" محاسبه شود که در آن ناهمسانی بین مقاطع تحصیلی در نظر گرفته شود.<sup>۳</sup>

برای محاسبه "دانشجویان معیار" ابتدا تأثیرگذاری هر یک از مقاطع تحصیلی به تفکیک گروههای آموزشی در افزایش مخارج جاری<sup>۴</sup> برآورد شده است. برای این منظور، داده‌های دانشگاههای منتخب و برای دوره های معینی استفاده شده است. ساختار کلی الگوی مورد استفاده به صورت زیر است:

(ض-۱)

$$y_{ij} = \beta_0 + \beta_1(UdBsc)_{ij} + \beta_2(MA)_{ij} + \beta_3(Mph)_{ij} + \beta_4(PhD)_{ij} + e_{ij}$$

که در آن،  $y_{ij}$  مخارج جاری در گروه  $i$ ،  $UdBsc$  تعداد دانشجویان فوق دیپلم و کارشناسی،  $MA$  تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد،  $Mph$  تعداد دانشجویان دکترای حرفه‌ای و  $PhD$  تعداد دانشجویان دکتری تخصصی در گروه  $i$  و  $e_{ij}$

۳. دباغ (۱۳۷۵) تلاش کرده است تا برای محاسبه مخارج سرانه از دانشجوی معیار استفاده کند. وی میزان مخارج آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد را ۳ و برای دانشجویان دکتری ۶ برابر مخارج آموزشی دانشجویان مقاطع کاردانی و کارشناسی در نظر گرفته است. البته، این میزان نابرابری برای همه گروهها به طور یکسان در نظر گرفته شده و جزئیات محاسبات و دلایل توجیهی برای لحاظ کردن تفاوت ضرایب مزبور برای سطوح مختلف آموزشی ارائه نشده است.

۴. به دلیل اینکه "تعداد دانشجو" در مخارج جاری نقش اساسی دارد، برای ارزیابی ضریب هریک از متغیرها (دانشجویان مقاطع مختلف آموزشی) مخارج جاری به عنوان متغیر وابسته به کار گرفته شده است.

جمله اخلاص هستند.  $t$  و  $j$  به ترتیب معرف زمان و دانشگاه هستند. در واقع، با استفاده از داده‌های استخراج شده از قوانین بودجه سالهای ۱۳۷۸-۱۳۷۴، برای هر یک از گروههای آموزشی الگوی (ض.۲) برآورد شده و ضرایب متغیرهای یاد شده به عنوان میزان تأثیرگذاری دانشجویان هر مقطع بر تغییرات مخارج تعبیر شده است.

جدول ض.۲- میزان تأثیرگذاری یک دانشجو در مقاطع مختلف بر مخارج جاری در گروههای مختلف

مقطع تحصیلی	گروه پزشکی	گروه کشاورزی	گروه فنی - مهندسی	گروه علوم انسانی	گروه علوم پایه
فوق دیپلم و کارشناسی	۱	۱	۱	۱	۱
کارشناسی ارشد	۳/۴	۳/۴	۴/۷	۳/۲	۳/۹
دکترای حرفه‌ای	۳/۴	۱۲			
دکترای تخصصی	۸/۲	۲۶/۲	۴/۷	۱۲/۴	۱۳/۲

توضیح: برای گروه فنی و مهندسی با توجه به ساختار الگوهای تخمین زده شده، تأثیر دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری معادل یکدیگر در نظر گرفته شده است. مأخذ: بر اساس الگوهای برآورد شده برای همین مطالعه

برای انجام دادن برآوردهای قابل اعتماد، برای گروههایی که دارای ساختار داده‌های ناهمسان (مقطعی- سری زمانی) بوده‌اند، الگوهای اجزای واریانس (Variance Component Models) و برای سایر موارد از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. در مجموع، برآوردهای انجام شده مؤید این است که

اولاً تفاوت معنی‌داری بین مخارج به ازای هر دانشجو در مقاطع تحصیلی وجود دارد.<sup>۵</sup> ثانیاً تفاوت ضرایب به مراتب بیشتر از ارقام استفاده شده در مطالعه دباغ است.

### یادداشتها

[۱] پژوهش در زمینه کارایی دانشگاهها و واحدهای آموزش عالی، طی دهه اخیر، مورد توجه متخصصان اقتصاد آموزش قرار گرفته است. اما تعداد معدودی از این مطالعات ابعاد هزینه‌ای فعالیت‌های مؤسسات آموزش عالی را مورد کاوش قرار داده‌اند (برای نمونه رجوع کنید به: Stevens, 2001؛ Robst, 2001؛ Salerno, 2002؛ Hanushek & Luque, 2002). با این حال، تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون مطالعه‌ای که با بهره‌گیری از ایده دانشجوی معیار شده به تحلیل کارایی اقتصادی- هزینه‌ای مؤسسات آموزش عالی بپردازد، به دست نیامده است.

[۲] توضیح بیشتر در این خصوص در ضمیمه همین مقاله ارائه شده است.

[۳] فهرست دانشگاهها به همراه میانگین، حداقل، حداکثر و انحراف معیار مخارج سرانه در جدول ضمیمه آمده است.

[۴] به طور کلی، تحقیقات تجربی محدودی در خصوص مالیه آموزش عالی ایران انجام شده است. تحلیل نحوه توزیع اعتبارات (جاری) به ازای هر دانشجو بین دانشگاهها تنها در مطالعه دباغ (۱۳۷۵) مورد توجه قرار گرفته است.

---

۵. نتایج مطالعه عبدیان (۱۳۷۳) که به تحلیل داده‌های مقطعی سال ۱۳۷۰ می‌پردازد نیز متفاوت بودن ضرایب دانشجویان مقاطع مختلف را تأیید می‌کند.

مطالعه مزبور در مقایسه با مطالعه حاضر دارای کاستی‌هایی است که عبارت‌اند از: ۱- در آن مطالعه "اعتبارات" به جای "مخارج واقعی یا اعتبارات تخصیص یافته" آموزشی مورد مطالعه واقع شده است؛ اصولاً این دو متفاوت از یکدیگرند و ممکن است نتایج یکسانی را در اختیار محقق قرار ندهند. ۲- تنها بخشی از اعتبارات آموزشی به امور جاری اختصاص دارد و برای مطالعه مخارج آموزشی مناسب است کل اعتبارات (اعم از جاری و عمرانی) مورد بحث و بررسی قرار گیرد. ۳- با توجه به متفاوت بودن نرخ تورم، ارقام به کارگرفته شده در آن مطالعه تورم‌زدایی نشده است. ۴- ناهمسانی جغرافیایی مخارج سرانه و نیز روند کلی تغییرات مخارج طی دوره مورد مطالعه به کمک الگوهای اقتصادسنجی تحلیل نشده است.

[۵] الگوهای ساده دوسطحی تا حدودی مشابه الگوهای مقطعی-سری زمانی (روش تحلیل Panel Data) است؛ البته برآوردهای قسمت تصادفی الگوهای دوسطحی اطلاعات مفیدی را به دست می‌دهد که برای تحلیل ساختار داده‌های مورد مطالعه قابل استفاده است. علاوه بر این، به دلیل امکان‌پذیر بودن تجزیه ناهمسانی‌ها به ویژگی‌های واحدهای مورد مطالعه، تحلیل ناهمسانی‌ها به‌طور نظام‌دار انجام می‌گیرد و با افزودن سطوح تحلیل به سه و بیشتر، تفاوت اصلی الگوسازی چندسطحی با الگوسازی مقطعی-سری زمانی بیشتر نمایان می‌شود. برای توضیح بیشتر در خصوص کاربردهای الگوهای چندسطحی رجوع شود به: نادری (۱۳۸۱a). قابلیت‌های الگوهای چندسطحی برای تحلیل ساختار دریافتی و بازده اقتصادی آموزش در نادری و میس (Naderi & Mace, 2003) و نادری (۱۳۸۳). تحلیل ساختار رشد اقتصادی



بین زیربخشهای صنعت ایران در نادری (۱۳۸۱b) و بین زیربخشهای اقتصاد ایران در نادری (۱۳۸۳) ارائه شده است.

[۶] دباغ (۱۳۷۵) توزیع اعتبارات جاری سرانه بین دانشگاهها را طی سالهای ۷۴-۱۳۶۷ بررسی کرده است. با توجه به اینکه روش تعدیل تعداد دانشجویان برای محاسبه دانشجوی معیار در مطالعه وی متفاوت از مطالعه حاضر است و نیز اینکه در مطالعه دباغ ارقام به قیمتهای جاری مبنا قرار گرفته است، مقادیر قدرمطلق ارقام مطالعه حاضر با آن مطالعه قابل مقایسه نیستند. تنها ارقام سال ۱۳۷۰ از نظر یکسان بودن شاخص قیمت را می توان مقایسه کرد. میانگین مخارج سرانه در سال ۱۳۷۰ در مطالعه دباغ ۶۶۰ هزار ریال گزارش شده که قدری از میزان برآورد مطالعه حاضر بیشتر است. علت اصلی این مسئله، به نحوه محاسبه دانشجوی معیار مربوط می شود. در ارتباط با مطالعات سایر کشورها، تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، مطالعه منتشر شده مشابهی که از روش شناسی دانشجوی معیار شده استفاده کرده باشد، وجود ندارد. با این حال، مطالعات خارجی متعددی منتشر شده اند که تفاوت در هزینه های آموزشی بر حسب سطوح تحصیلی و مناطق یا نواحی آموزشی را مورد تأیید و تأکید قرار می دهند. [برای نمونه رجوع کنید به: Canadian Education Statistics Council, 2000; World Bank, 2000; Lewin & Caillods, 2001].

[۷] در مطالعه دباغ (۱۳۷۵) نیز تفاوت چشمگیری (حدود ۸ برابر) برای مخارج سرانه گروه فنی و مهندسی بین ۳۳ دانشگاه در سال ۱۳۷۰ گزارش شده است. همچنین، میانگین این دانشگاهها در این سال ۶۶۰ هزار ریال ارزیابی شده است. برای توضیحات تکمیلی ر.ک. به: یادداشت [۶].

[۸] نتیجه مشابهی در قسمت مربوط به تحلیل ناهمسانی مخارج سرانه بین گروههای آموزشی حاصل شده است. همچنین، در مطالعه دباغ (۱۳۷۵) جدول ۷، ص ۱۶۴) میزان تفاوت مخارج سرانه بین ۳۱ دانشگاه مورد مطالعه قابل توجه گزارش شده و میانگین این شاخص برای دانشگاهها در سال ۱۳۷۰ حدود ۳۷۴ هزار ریال برآورد شده است. همچنین، ر.ک. به: یادداشت [۶].

## منابع

### الف. فارسی

۱. دباغ، رحیم (۱۳۷۵)؛ "توزیع اعتبارات جاری دانشگاه‌های دولتی در طی سالهای ۷۵-۱۳۶۷"؛ فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۳ و ۱۴ (بهار و تابستان)، ص. ۱۸۰-۱۴۳.
۲. سازمان برنامه و بودجه، قوانین بودجه سال‌های مختلف.
۳. عبدیان، مسعود (۱۳۷۳)؛ "برآورد سهم عوامل مؤثر بر بودجه جاری دانشگاه‌ها"؛ فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶ (تابستان).
۴. قارون، معصومه و دیگران (۱۳۷۳)؛ "تحلیلی بر تحولات نظام پرداخت حقوق و مزایای اعضای هیأت علمی"؛ فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸ (پاییز و زمستان)، ص. ۱۴۴-۱۰۱.
۵. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۳)؛ اقتصاد آموزش؛ تهران: نشر یسپرون.
۶. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۳)؛ "تحلیل تطبیقی بازده اقتصادی سرمایه انسانی در بازار کار آموزش و پرورش ایران"؛ مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی

- اصلاحات در آموزش و پرورش (۲۰ و ۲۱ خرداد ۱۳۸۱)؛ جلد سوم: اقتصاد و برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۷. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۲)؛ "ارزیابی منابع رشد اقتصاد ایران با استفاده از جداول داده-ستانده و روش الگوسازی چندسطحی"؛ مجموعه مقاله‌های دومین همایش کاربرد تکنیک‌های داده-ستانده در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی (۷ و ۸ اسفندماه ۱۳۸۱)، تهران: مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۱a)؛ "الگوهای چند سطحی و کاربردهای آن در اقتصاد"؛ مجموعه مقالات همایش الگوهای ناخطی، تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۱.
۹. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۱b)؛ "سرمایه انسانی و رشد اقتصادی: از تئوری تا واقعیت"؛ فصلنامه برنامه و توسعه، شماره ۳ و ۴ (تابستان و پاییز).
۱۰. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۰)؛ "نقد مبانی روش‌شناسی مطالعات تجربی نظریه سرمایه انسانی و ارائه راه حل مناسب"؛ برنامه و بودجه، شماره ۶۰ و ۶۱.
۱۱. وحیدی، پریدخت (۱۳۶۴)؛ شاخص‌های آموزش عالی در ایران (۱۳۴۸-۱۳۶۲)؛ مدیریت آموزش عالی و تحقیقات، معاونت امور اجتماعی سازمان برنامه و بودجه.
۱۲. وحیدی، پریدخت (۱۳۶۵)؛ تحلیلی از هزینه درآموزش عالی؛ مدیریت آموزش عالی و تحقیقات، معاونت امور اجتماعی سازمان برنامه و بودجه.

ب. لاتین

1. Canadian Education Statistics Council (2000); Education Indicators in Canada: Report of Pan-Canadian Education Indicators Program 1999.
2. Goldstein, H. (1995); **Multilevel Statistical Models**; London, Edward Arnold.
3. Greene, W. H. (1993); **Econometric Analysis**; New Jersey, Prentice-Hall, Inc.
4. Hanushek, E. A. and J. A. Luque (2002); Efficiency and Equity in Schools around The World; Cambridge, MA, NBER, Working Paper 8949.
5. Lewin, K. and F. Caillods (2001); **Financing Secondary Education in Developing Countries: Strategies for Sustainable Growth**; Paris, UNESCO.
6. Maddala, G. S. (1992); **Introduction To Econometrics**; New York, Macmillan Publishing Company.
7. Naderi, A. and J. Mace (2003); "Education and Earnings; A Multilevel Analysis"; **Economics of Education Rev.** 22 (2): 143-56.
8. Robst, J. (2001); "Cost Efficiency in Public Higher Education Institutions"; **Journal of Higher Education**, 72(6): 730-750.
9. Salerno, C. (2002); What We Know about the Efficiency of Higher Education Institutions: The Best Evidence, The Center for Higher Education Policy Studies University of Twente.
10. Stevens, P. A. (2001); "The Determinants of Economic Efficiency in English and Welsh Universities"; London, **National Institute of Economic and Social Research**, Working Paper 185.
11. World Bank (2000); **Higher Education in Developing Countries: Peril and Promise**; Washington, D.C.: The World Bank.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.